

دوفصلنامه ویژه پژوهش‌های ادبی و متن‌شناختی

دوره جدید، سال نهم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۴۰۱ (پیاپی ۷۰)

۷۰



- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری / ۹
- کلمات مختوم به «-ای» و «-وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور / ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند / ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنائع والاوزان» سیف جام هروی... / امید شاه‌مرادی / ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی / ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاهنامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی و نیچه / ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفق / ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دولرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو / ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی / ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم / ۱۹۹



فهرست

- سخن سردبیر..... ۵
- تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر» / رضا غفوری ۹
- کلمات مختوم به «- ای» و «- وی» در متون قدیم فارسی... / مسعود راستی پور..... ۲۷
- «جامع الحساب»: اثری فارسی منسوب به نصیرالدین طوسی در حساب هوایی / فاطمه سادات سعادت‌مند..... ۴۹
- اقتباس شیرعلیخان لودی از «جامع الصنایع والاوزان» سیف جام هروی و... / امید شاه‌مرادی..... ۷۳
- سابقه پیوند وزن شعر و موسیقی در متون کهن / بهراد بنایی..... ۸۵
- «گرشاه‌نامه»: تلفیق شاه‌نامه و گرشاسب‌نامه در برخی از دست‌نویس‌ها... / علی اصغر ابراهیمی وینیچه..... ۱۱۹
- احتمال الحاقی بودن غزلی مشهور در دیوان حافظ / امیر شفقت..... ۱۴۱
- دو نسخه کهن به‌یغمارفته از منظومه «دلرانی خضرخان»... / مهدیه اسدی و بیژن ظهیری ناو..... ۱۵۷
- روایات لیلی و مجنون در ادبیات مکتوب کردی / هادی بیدکی..... ۱۷۹
- اربعین‌نگاری صوفیان: بررسی و تصحیح اربعینات منظوم از قطب محیی کوشکناری / احسان پورابریشم ۱۹۹
- چکیده انگلیسی / مجدالدین کیوانی..... 3

تور در متون پهلوانی ایران و معرفی «داستان تور بن جهانگیر»

رضا غفوری*

چکیده

تور پسر جهانگیر، معروف به تبردان، یکی از پهلوانان متون پهلوانی عامیانه ایران است. از آنجا که داستان‌های جهانگیر پدر تور قدمت چندانی ندارد، روایت‌های مربوط به فرزندش تور هم متأخر و محصول ذهن داستان‌گزاران و نقالان چند سده گذشته است. اگرچه سرگذشت تور بن جهانگیر در متون منظوم پهلوانی با تفصیل آمده اما در طومارهای نقالی داستان‌های او مختصر است و اغلب در جنگ‌های هفت لشکر از او یاد می‌شود. با این حال در برخی متون، سلسله روایات تور تا دوره جنگ‌های کین‌خواهی بهمن و آذربرزین نیز ادامه می‌یابد. درباره آغاز پیدایش تور بن جهانگیر تا پهلوانی‌های او، منظومه مستقلی باقی مانده که تا به امروز از دید پژوهشگران پنهان مانده است. در این مقاله نخست به بررسی روایات تور بن جهانگیر در متون پهلوانی ایران می‌پردازیم، سپس «داستان تور بن جهانگیر» را معرفی و برخی ویژگی‌های آن بررسی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: تور بن جهانگیر، متون پهلوانی، طومارهای نقالی، شاهنامه هفت لشکر، دوره صفویه،

انتحال

۱. مقدمه

تور پسر جهانگیر پسر رستم زال، معروف به «تبردار»، یکی از پهلوانان نوظهور متون پهلوانی ایران است. تور در اصل نام فرزند دوم فریدون^۱ است که در اوستا Tūra و در فارسی میانه Tūz و Tūr آمده است و پژوهشگران آن را به معنای «دلیر» معنا کرده‌اند (خالقی مطلق، ۱۳۹۸: ۴۹۱).^۲ جهانگیر پسر رستم خود پهلوانی نوظهور بود و داستان‌هایش نه تنها قدمت و اصالتی نداشت بلکه تقلیدی صرف از داستان رستم و سهراب بود. بر پایه جهانگیرنامه، جهانگیر در نبرد با دیوی کشته شد و از او فرزندی باقی نماند، اما بعدها نقالان این شیوه روایت را نپسندیدند و بخش پایانی داستان را انداختند و داستان‌های جهانگیر را ادامه دادند و حتی در اغلب طومارها، فرزندی به نام تور را نیز به او نسبت دادند. بر بنیاد متون پهلوانی تاکنون شناخته شده، داستان‌های تور در برزوانامه جدید، زرین‌قبانامه، کوه دماوند و داستان تور بن جهانگیر مفصل آمده اما هنگامی که طومارهای نقالی را بررسی می‌کنیم می‌بینیم که داستان‌های این قهرمان مختصر است. به این نکته در دنباله مقاله بیشتر خواهیم پرداخت.

۲. داستان‌های تور بن جهانگیر در متون پهلوانی

نخستین بار در برزوانامه جدید از تور نام برده می‌شود. بر اساس این منظومه، پهلوانی به نام پلنگینه جوشن به میدان نبرد چند لشکر آمد. او نخست با فرامرز و پس از آن با برزو به نبرد پرداخت؛ سپس با پهلوانی به نام زنگی جنگ کرد و او را به بند درآورد. پس از بازگشت جهان بخش از هفت خان و آوردن رخس، رستم با شماری از پهلوانان رو به رو شد که یکی از آن‌ها پلنگینه جوشن بود (عطایی، برزوانامه جدید: ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۶۰). در نبردی

۱. گذشته از تور پسر فریدون و تور بن جهانگیر، در متون پهلوانی قهرمانان دیگری نیز بدین نام نام‌گذاری شده‌اند؛ مثلاً تور فرزند جمشید که از ازدواج او با دختر کورنگ پادشاه زابلستان به دنیا آمد (اسدی طوسی، ۱۳۵۴: ۴۲) و یا تور/طور ثانی فرزند فرامرز که در اسکندرنامه بارها از او یاد می‌شود (منوچهرخان حکیم، ۱۳۸۴: ۱۶۳).
 ۲. به گفته محمد معین چون تورانیان دشمن ایرانیان بودند بعدها از این کلمه معنی «دیوانه و وحشی» را اراده کردند (نک. تبریزی، ۱۳۴۲: ۵۳۰/۱، پاورقی ۲).

سخت میان دو پهلوان، سرانجام رستم حریف خود را بر بالای سر برد و هنگامی که خواست او را بر زمین بزند، پلنگینه جوشن رستم را از این کار برحذر داشت و خود را تور پسر جهانگیر معرفی کرد (همان: ۲۳۴ ر و ۲۳۵ ر).

بر پایه زَرین قبانامه، زَرین قبا به صورت ناشناس از سوی حضرت سلیمان^(ع) به نبرد ایرانیان آمد و پس از وقوع حوادث متعدّد، در نبرد با رستم زال گرفتار شد. زَرین قبا در محضر کی خسرو آشکار کرد که تور فرزند جهانگیر است و از ازدواج این پهلوان با دختر لیس پری به دنیا آمده است (زَرین قبانامه، ۱۳۹۳: ۱۲۷۰). در منظومه کوه دماوند، تور جهانگیر یکی از سرشناس‌ترین پهلوانان این منظومه است و در دوره غیاب رستم، تور یگانه پهلوانی است که امید سپاه ایران به اوست. بزرگ‌ترین هنرنمایی تور در این منظومه، رفتن به بارگاه تاتار شاه و کشتن ببر درنده و آزاد کردن کی خسرو است (نک. تهمتن‌نامه، ۱۳۹۸: ۳۱۲-۳۱۹).

در طومارهای نقّالی تاکنون چاپ‌شده، داستان‌های تور به اختصار آمده است؛ بر پایه یکی از آنها، پسری در طلسم سوسن جادو به جهانگیر گفت که در این طلسم، از دختری به نام سروآزاد، صاحب فرزندی به نام تور خواهد شد و با کمک او و فرزند دیگرش نریمان، از طلسم بیرون خواهد آمد (طومار جامع نقّالی شاهنامه، ۱۳۹۶: ۲۶۹). در این طومار، دیگر از تولّد تور و چگونگی خروج جهانگیر از طلسم یاد نمی‌شود.

در اغلب طومارها در بخش روایات برزنامه جدید، از تور با لقب تبردار یاد می‌شود. بر اساس برخی طومارها، تور از سرزمین مغرب به صورت ناشناس وارد میدان هفت‌لشکر شد و با دیدن تیمور و گودرز در بندِ سحرآفرین، غضبناک به نبرد جادو رفت و او را مجروح کرد، اما اندکی بعد با افسونگری جادو، گرفتار شد. در دنباله داستان آمده که تور با رشادت تیمور از بند افراسیاب آزاد شد و سحرآفرین را از میان برد و تور نیز مرجان جادو را کشت (طومار نقّالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۷۷۴-۷۷۶؛ هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۴۴۸؛ شاهنامه هفت‌لشکر، ۱۴۰۰: ۵۹۴). در ادامه داستان، تور به جنگ رستم یک‌دست رفت و در پایان کارزاری سخت، یک‌دست سنگی به سوی تور افکند که شانه او آسیب دید و در نهایت جهانگیر به

کمک فرزند رفت و او را نجات داد (طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۷۷۹-۷۸۰). با این حال، در روایات دیگر آمده که رستم یک‌دست از تور، زخمی مهیب برداشت و از میدان گریزان شد (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۳۹۶-۳۹۷؛ طومار شاهنامه فردوسی، ۱۳۸۱: ۹۲۶؛ شاهنامه هفت‌لشکر، ۱۴۰۰: ۵۸۷). زال با دیدن این هنرنمایی‌های تور، به نزد او رفت و از او خواست که به ایرانیان بپیوندد اما تور انجام این کار را مشروط به اذن پدر دانست. چندی بعد تور با هزبر بلا روبه‌رو شد اما از او زخم برداشت.^۱ سرانجام پس از نبرد رستم با جهانگیر و آشکار شدن کیستی این پهلوان، جهانگیر فرزند خود تور را نیز به ایرانیان معرفی کرد. در برخی روایات آمده که تور به نبرد نیای خود رستم زال نیز رفت اما از او شکست خورد و گرفتار شد تا این که پس از آشکار شدن کیستی جهانگیر، تور نیز از بند رستم آزاد گردید (نک. طومار نقالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۷۸۰-۷۸۲؛ هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۴۵۳-۴۵۴؛ شاهنامه هفت‌لشکر، ۱۴۰۰: ۵۹۹-۶۰۰).

تور تبردادر در جنگ‌های کین‌خواهی بهمن در کنار فرامرز بود (هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۵۱۸) و حتی در برخی طومارها در دوره پهلوانی آذربزین نیز از تور یاد شده است. بر پایه یکی از طومارها، بهمن سرزمین مغرب را به تور تبردادر داد به شرط این که به پادشاه وفادار باشد (طومار کهن شاهنامه، ۱۳۹۰: ۸۴۸)، اما تور پس از مرگ فرامرز، به همراه آذرگشسب به نزد زال رفت و از او اجازه خواست که بر بهمن شورش کند اما زال مانع او شد (همان: ۸۵۳). سرانجام زال منشور حکومت مغرب، سند و ماورای جیحون را از بهمن برای تور گرفت (همان: ۹۳۲).

در بیشتر طومارهای چاپ‌شده، درباره فرجام کار تور سخنی به میان نیامده است. تنها در یک روایت آمده که هنگام قحطی زابل، تور برای آوردن غذا از شهر بیرون آمد اما در نبرد با سپاه بهمن مجروح شد؛ و اگرچه توانست آذوقه را به زال برساند اما در نهایت به دلیل زخم‌هایی که برداشته بود از دنیا رفت (مشکین‌نامه، ۱۳۸۶: ۲۱۴).

۱. بر پایه یکی از طومارها، تور نه تنها از هزبر بلا زخم برداشت بلکه به او زخم‌های کاری نیز وارد کرد (نک. شاهنامه هفت‌لشکر، ۱۴۰۰: ۵۸۷-۵۹۰).

در برخی طومارهای نقّالی، داستان‌هایی به تور تبردان نسبت داده شده که درخور توجّه است. بر پایه برخی روایات، در میدان هفت‌لشکر به کی خسرو خبر رسید که سخره دیو در مازندران شورش کرده است. تور داوطلب نبرد با آن پتیاره شد و فرامرز و اردشیر بن بیژن را نیز با خود برد. در نبردی که میان تور و سخره در گرفت تور مجروح شد، اما توانست سخره را از بین ببرد (طومار نقّالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۸۰۴-۸۰۸؛ نیز نک. هفت‌لشکر، ۱۳۷۷: ۴۵۵). در روایتی مشابه این داستان آمده که چندی پس از جنگ هفت‌لشکر، یکی از دیوان در مازندران شورش کرد. کی خسرو با شنیدن این خبر، تور را به آن‌جا روانه کرد. تور موفق شد آن دیو را از بین ببرد و خود پادشاه مازندران شود (شاهنامه هفت‌لشکر، ۱۴۰۰: ۶۰۱؛ نیز نک. طومار نقّالی شاهنامه، ۱۳۹۱: ۸۱۲).

نکته درخور توجّه این است که داستان نبرد سخره با پهلوانان ایران بخش مفصّلی از شهریارنامه است. بر پایه این منظومه، شهریار بود که توانست پس از نبردهای سخت سخره را گرفتار کند و به نزد زال بیاورد (نک. مختاری، ۱۳۹۷: ۷۴۶-۷۴۷)؛ این در حالی است که در شهریارنامه از تور بن جهانگیر نشانی نیست. ظاهراً از آن‌جا که اغلب نقّالان، شهریار پسر برزور را نمی‌شناختند و تنها در حدّ نامی از او شنیده بودند و از طرفی هم زادگاه جهانگیر پدر تور، مازندران بود و خود تور نیز پس از مدّتی توانست پادشاه مازندران شود، بنابراین برخی نقّالان داستان نبرد شهریار با دیوان مازندران را سهواً به تور بن جهانگیر نسبت دادند، آن چنان که همین اشتباه را بعدها به‌گونه دیگری نیز تکرار کردند و داستان‌های آذربریزین را به تور نسبت دادند (نک. انجوی شیرازی، ۱۳۶۹: ۱۵۱/۱).

پیش‌تر اشاره کردیم که روایاتی که از تور جهانگیر در منظومه‌های پهلوانی کوه دماوند، زرّین‌قبا‌نامه و داستان تور بن جهانگیر آمده در طومارهای نقّالی تاکنون انتشار یافته نیست و اگر هم احیاناً برخی از این داستان‌ها در شماری دست‌نویس‌های این دست متون وجود داشته باشد باز هم از موارد نادر است. احتمالاً دلیل غیبت این روایات در طومارهای نقّالی این است که روایات اولیه تور بن جهانگیر، همان‌هایی است که در برزونامه جدید به اختصار آمده است، اما بعدها نقّالان و داستان‌گزاران، به این داستان‌های کوتاه اکتفا نکردند

و به تدریج داستان‌های بلندتر و مستقل‌تری به تقلید از روایات قدیم، درباره پهلوانی‌های تور ابداع کردند که اگرچه به همت شاعران گمنامی به نظم درآمد با این حال به چنان شهرتی دست نیافت که بتواند وارد طومارهای دوره‌های بعد شود.

۳. معرفی داستان تور بن جهانگیر

در پایان دست‌نویسی از جهانگیرنامه، به شماره Ethe628 محفوظ در کتابخانه ایندیا آفیس، منظومه‌ای درباره سرگذشت تور بن جهانگیر کتابت شده که تا کنون از دید پژوهشگران به‌دور مانده است. از این منظومه ناشناخته که از این پس با نام «داستان تور بن جهانگیر» یاد می‌کنیم تا زمان نگارش این مقاله، به‌جز دست‌نویس یادشده، دست‌نویس دیگری سراغ نداریم و فعلاً منحصر به فرد است. این منظومه بر پایه نسخه یادشده، دارای ۳۱۸۱ بیت است و در پایان آن نیز بیتی کلیشه‌ای و تکراری که در پایان بیشتر منظومه‌های پهلوانی به اشکال گوناگون آمده است دیده می‌شود.^۱ داستان تور بن جهانگیر با بیت زیر آغاز می‌شود:

شـنیدم ز راویِ ایـن داسـتان که می‌گفت از گفته‌ راسـتان

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۱۴پ)

چکیده این منظومه چنین است:

رستم پس از نبرد با جهانگیر و شناختن فرزند، به سیستان بازگشت و مجلس بزمی برپا کرد و پس از آن به نخجیرگاه رفت. در آنجا گور خوش‌خط و خالی ظاهر شد. رستم با دیدن آن گفت هر کس توانست این گور را شکار کند جام گرشاسبی و تاج طهماسبی از آن او خواهد بود. جهانگیر با شنیدن این سخن، به دنبال گور رفت و مدتی سرگردان شد تا این که دانست آن گور، هراس، فرزند سرخاب دیو است و قصد کین‌خواهی از او را دارد. در نبردی که میان

۱. منظور بیت زیر است:

ز ما بر محمّد درود و سلام

بگفتم من این داستان را تمام

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۶۶ر)

آن دو روی داد هراس گرفتار شد و جهانگیر او را راهنمای خود قرار داد، اما هراس جهانگیر را فریب داد و به شهر خرّم سرشت از توابع چین برد. جهانگیر پس از کشتن دیو ناگزیر وارد شهر شد و اندکی بعد با دیدن سمنبو، دختر جم‌شاه، دلباخته گشت. جم‌شاه شرط کرده بود که هر کس ازدهای مهیب آن سرزمین را از میان بردارد دخترش را به او خواهد داد. جهانگیر داوطلبانه به نبرد ازدها رفت و پس از کشتن آن پتیاره موفق شد که به همسری سمنبو درآید. شبی جهانگیر رستم را در خواب دید و به ناچار به ایران بازگشت و انگشتی خود را به همسرش داد.

پس از چندی سمنبو پسری به دنیا آورد و نام او را تور گذاشتند. تور در کودکی به نژاد خود پی برد و تصمیم گرفت به ایران نزد پدر خود برود؛ بنابراین نزد جم‌شاه رفت و پس از نشان دادن هنرنمایی‌های خود موفق شد او را راضی کند که سپاهی در اختیارش بگذارد. در این هنگام خبر پهلوانی‌های تور به خاقان چین رسید. خاقان تور را به سوی خود فراخواند و از او استقبال شایسته‌ای کرد. اندکی بعد نامه‌ای از سوی کماسا پادشاه ختن به خاقان رسید که در آن خواسته شده بود خاقان، دختر خود کتارا را برای کماسا بفرستد و یا آماده جنگ شود. تور با دانستن مضمون نامه، پاسخ تندی داد و داوطلب نبرد با کماسا شد. تور پیش از رفتن به جنگ، بر آن شد که دختر خاقان را مشاهده کند؛ وقتی مخفیانه به باغ وی وارد شد و او را دید دلباخته اش گردید. پس از آن تور راهی نبرد با شاه ختن شد و طی نبردهایی که میان سپاه آن دو در گرفت. سرانجام تور موفق شد کماسا را اسیر کند و به نزد خاقان بیاورد. در دربار پادشاه چین، کماسا به تندی با خاقان سخن گفت که همین منجر به مرگ او شد.

چندی پس از این واقعه، نامه‌ای از افراسیاب به خاقان رسید که در آن از او خواسته شده بود غنایم ختن را برای افراسیاب بفرستد. تور با شنیدن آن خشمگین شد و خود را برای نبرد آماده کرد. در رویارویی دو سپاه، گروی زره، نستیهَن، هومان و در نهایت افراسیاب به دست تور گرفتار شدند. در همین هنگام خاقان به نژاد تور پی برد و او را خطر بزرگی برای خود دانست. خاقان دست به نیرنگ زد و در مجلس باده‌نوشی، تور و جم‌شاه را بی‌هوش کرد و آن دو را به زندان افکند. پس از آن با پیران مذاکره و افراسیاب را از بند آزاد کرد و در صدد کشتن

تور برآمد. در دنباله داستان تور با دستیاری کتارا و سمنبو توانست از بند نجات یابد و خاقان را از بین ببرد. تور با تدبیر پیران، با افراسیاب آشتی کرد و پس از آن به سوی ایران رهسپار شد. تور در نبرد با ایرانیان، نخست فرهاد سپس زواره، بیژن، گیو، زنگه شاوران، گراز، گرگین و بهرام را گرفتار کرد و سرانجام با پدر خود روبه‌رو شد. طی حوادثی که روی داد جهانگیر فرزند خود را شناخت و پس از آن، تور به سپاه ایران پیوست.

اندکی بعد تعدادی بازرگان از غارتگری‌های طلخند زنگی که از دست‌نشانده‌های ضحاک بود نزد کاووس شکایت کردند. جهانگیر داوطلب نبرد با زنگی شد و بهرام را نیز با خود برد. جهانگیر در نبرد با طلخند پیروزمندی به دست آورد، اما سرانجام به‌طور ناگهانی از طلخند زنگی ضربه‌ای مهلک یافت که پس از بازگشت به دربار و وصیت کردن به تور، از دنیا رفت. تور که در صدد کین‌خواهی از خون پدر بود با دستیاری یک بازرگان و با کمک رستم رهسپار دژ طلخند شد و با نیرنگ به درون دژ رفت. تور توانست طلخند را با تیغ به دو نیم کند و انتقام خون پدر را از او بگیرد. پس از این پیروزی، پهلوانان به نزد کاووس بازگشتند و تور با وجود مخالفت کاووس، تصمیم گرفت مطابق وصیت پدر عمل کند و نزد قبر مسیحا برود و دیگر پیکار نکند.

۴. سده سرایش داستان تور بن جهانگیر

از گوینده «داستان تور بن جهانگیر» فعلاً هیچ آگاهی نداریم و اشاره‌ای هم که راهبر به آن باشد در متن منظومه نیست. درباره سده سرایش این داستان، با توجه به قرائن متعدد و بررسی و تطبیق آن با متون مشابه می‌توان حدس زد که این منظومه به احتمال ضعیف در قرن نهم، و به احتمال قوی در قرن دهم یا بعد از این تاریخ، و مقارن دوره حکومت صفویه سروده شده است. عمده‌ترین دلایل ما برای این حدس چنین است:

۱. آمدن واژه «غرین» در ابیات زیر از داستان تور بن جهانگیر که احتمالاً به معنای «غزان» (آیدنلو، ۱۳۹۲: ۶۰) است، اگرچه در برخی دست‌نویس‌های قرن‌های هشتم و نهم

شاهنامه هم دیده می‌شود (فردوسی، ۱۳۸۶: ۳/۳۱۲، پاورقی ۸)، اما به‌کارگیری آن در متون منظوم پهلوانی سدهٔ دهم به بعد بسیار متداول است:

درآمد بدین سان به میدان کین یکی نعره زد همچو شیر غرین

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۵۳پ)

به نامردی این نابکار لعین بمرد آن جهانگیر شیر غرین

(همان: ۱۶۳پ)

۲. آمدن ضمیر شخصی «او» به جای صفت پیشین اشارهٔ «آن/این». اگرچه این ویژگی

زبانی در متون قرن پنجم و ششم هم به‌ندرت دیده می‌شود (نک. خطیبی، ۱۳۹۵: ۱۶۷؛

مرزبان فارسی، ۱۳۹۹: ۴۳)، اما کاربرد آن در متون منظوم و منشور فارسی از قرن دهم تا

سیزدهم هجری به‌وفور است (نک. آیدنلو، ۱۳۹۶: ۲۹۹-۳۰۱؛ بهار، ۱۳۵۵: ۱/۳۸۰). این

ویژگی زبانی در ابیات زیر دیده می‌شود:

کمندی پر از چین چو زلف بتان گرفته به چنگال او پهلوان

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۱۵ر)

ببوسید بازارگان روی اوی مر آن را ببوسید او دیو روی

(همان: ۱۶۳ر)

۳. صفت مرکب «صاحب‌قران» در متون پهلوانی سده‌های پنجم تا هشتم هجری نیامده

و در حدود بررسی‌های نگارنده، در زرّین‌قبانامه (۱۳۹۳: ۵۲۵ و ۵۹۰) و رزم‌نامهٔ گرشاسپ

(۳۳۸ر) که در تعلق آن‌ها به دورهٔ صفویه تردید نیست، چندین بار آمده است.^۱ این ترکیب

در ابیات زیر از داستان تور بن جهانگیر نیز دیده می‌شود:

چو دیدند گفتند آن موبدان که آخر شود گرد و صاحب‌قران

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۲۰پ)

شما هم مر او را کنید امتحان ببینید کوهست صاحب‌قران

(همان: ۱۲۳ر)

۱. مثلاً نک. زرّین‌قبانامه، ابیات ۷۱۵۵، ۸۵۳۷، ۱۳۳۳۱.

۴. استعمال واژه «صندلی» به معنی «کرسی» در حماسه‌های کهن سابقه‌ای ندارد و ظاهراً از قرن هفتم به بعد در ادبیات وارد شده و در متون پهلوانی قرن دهم به بعد هم چند بار آمده است (نک. بانوگشسپ‌نامه، ۱۳۸۱: ۱۲۱؛ تهمتن‌نامه، ۱۳۹۸: ۳۰۴). این واژه در ابیات زیر از منظومه مورد بحث نیز آمده است:

همان جایلی بود بر صندلی همی‌کرد او دعوی پردلی
(داستان تور بن جهانگیر: ۱۲۱ پ)

روان تور بنشست بر صندلی تو گویی که بد رستم زابلی
(همان: ۱۳۶ پ)

۵. واژه «چارقب» به معنای «نوعی جامه سلاطین و امرا» در متون کهن نیامده است و در حدود بررسی نگارنده، از قرن نهم به بعد و در دیوان نظام قاری است که این واژه به کار رفته است.^۱

ده از تاج زر خاصّ افراسیاب ده از چارقب سر به سر زرّ نواب
(داستان تور بن جهانگیر: ۱۴۶ ر)

۶. یکی از ویژگی‌های مهم زبانی متون پهلوانی سده دهم به بعد آمدن واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه در آنها است؛ به گونه‌ای که کمتر منظومه‌ای از این دوره را می‌توان یافت که متأثر از زبان عامیانه نباشد. بکاررفتن واژه‌ها، ترکیب‌ها و اصطلاحاتی مانند «بیجن»، «کیف مُل»، «کله بر کله زدن»، آمدن صفت «مارکش» برای تیر خدنگ، آمدن واژه «غراب» به جای اسب و «دو نیمه کردن پیکر دشمن چون خیار با شمشیر»، از نمونه‌های متأثر از متون نقالی و داستان‌های عامیانه است که در این منظومه دیده می‌شود:

سر دست بیجن گرفت و فشرد تو گفتی که شد دست با تیغ خورد
(داستان تور بن جهانگیر، ۱۵۱ ر)

۱. مانند بیت زیر:

هر شاه‌بیت من که درین طرز گفته‌ام شاهان به گرد چارقب زر نوشته‌اند

(قاری یزدی، ۱۳۵۹: ۲۴)

یکی مارکش تیر عقاب پر نه تیر [او] که او بد بلای دو سر

(همان: ۱۱۸ پ)

نه من آن غرابم که رامت شوم نه شهدم که گویی به کامت شوم

(همان: ۱۱۹ ر)

به هر کس زدی تیغ سندان گذار بکردی دو نیمش به سان خیار

(همان: ۱۶۰ ر)

۷. قطع کردن داستان و پرداختن به داستانی دیگر از سوی راوی، یکی از ویژگی‌های برخی منظومه‌های پهلوانی دوره صفویه است که در شهریارنامه (نک. مختاری، ۱۳۹۷: ۴۵۳)، زرین‌قبا نامه (۱۳۹۳: ۲۳۹) و جهانگیرنامه (مادح، ۱۳۸۱: ۲۷۱) هم نمونه‌های آن دیده می‌شود و آن چنان‌که می‌دانیم برگرفته از سبک بیان داستان‌گزاران و نقّالان است. این شیوه گفتار را در داستان تور بن جهانگیر نیز می‌بینیم:

تو بشنو کنون از بت سیمتن چو بشنید آن مهرخ از انجمن

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۱۹ ر)

تو بشنو کنون از کماسا سخن که آن شه چو بگریخت از آن رزمزن

(همان: ۱۳۳ ر)

۸. برخی مضامین داستانی داستان تور بن جهانگیر، مانند «ظاهرشدن دیوی از نسل دیوان گذشته و ناکامی او در کین‌خواهی از پهلوان»، «در خواب نکشتن پتیارگان و بیدار کردن آن‌ها به منظور حفظ ننگ و نام قهرمان»، «وعده بخشش مرده‌ریگ نیاکان به پهلوانان جوان در ازای انجام کاری سخت» و «کوفتن سه ضرب گرز به حریف در میدان نبرد»، همگی از مضامین طومارهای نقّالی و داستان‌های عامیانه قرن دهم به بعد است و در متون پهلوانی کهن و اصیل نشانی از آن‌ها نیست.

۹. عیوب متعدّد قافیه، ورود شماری از لغات و ترکیبات تازی (مونس، لعین، منت، ضایع، باعث و ...)، استعمال برخی واژه‌های حوزه ادب عرفانی (حیرت، صدق، محنت، شکیب، توفیق، یقین، نصرت و ...) و برخی اشکالات دستوری که در داستان تور بن جهانگیر دیده می‌شود، در منظومه‌های پهلوانی قدیم وجود ندارد و یا به ندرت دیده می‌شود.

این نادرستی‌های زبانی و ادبی را در دیگر منظومه‌های پهلوانی متعلق به سده دهم به بعد به‌وفور می‌توان دید (مثلاً نک. آذربرزین‌نامه، ۱۳۹۰: ۳۹ و ۵۳؛ مختاری، ۱۳۹۷: ۱۳۴؛ زرّین‌قبا‌نامه، ۱۳۹۳: ۶۳-۶۴؛ تهمتن‌نامه، ۱۳۹۸: ۲۶۰ و ۲۶۴).

۱۰. یکی از ویژگی‌های محتوایی غزل دوره تیموری، تن دادن عاشق به انواع پستی‌ها است. یکی از پژوهشگران می‌نویسد: «از اختصاصات جدید غزل‌های عاشقانه (در قرن نهم و آغاز قرن دهم) اظهار بیش از پیش عجز و زبونی و انخضال و ابراز یأس و ناکامی عاشقان و سازش با هر گونه اهانت و جفا و آزار از سوی معشوقان و خاک‌نشینی و تن در دادن به معاشرت با سگان کوی معشوق و نظایر این رذالت‌ها است» (صفا، ۱۳۶۴: ۱۸۹/۴). اشعاری که به‌طراز «سگیه» خوانده شده، یعنی اشعاری که شاعر در آن آرزو می‌کند تا سگ کوی معشوق یا معاشر آن باشد، فراوان است (نک. شمیسا، ۱۳۷۰: ۱۴۸؛ یارشاطر، ۱۳۳۴: ۱۴۷). به نظر می‌رسد که گوینده داستان تور بن جهانگیر نیز متأثر از این گرایش رایج زمان (از زبان تور) او را سگ کوی معشوق خوانده است:

که این نوجوان است هندوی تو نه بنده که باشد سگ کوی تو
(داستان تور بن جهانگیر: ۱۲۷)

۵. ساختار روایی داستان

اگرچه کهن‌الگوی داستان تور بن جهانگیر نیز مانند دیگر نبردهای پدر و پسر در متون پهلوانی ایران، در اصل داستان رستم و سهراب است، اما بی‌تردید ساختار آن تقلیدی آشکار از بخشی از برزونا‌نامه جدید است. بر پایه منظومه اخیر، پس از کشته شدن سپهرنگ دیو، روزی کی خسرو و پهلوانان به شکار رفتند. در آن‌جا برزو از گرفتن گور زیبایی ناکام ماند و به دلیل استهزای فرامرز، ناگزیر به دنبال آن گور رفت. برزو در بین راه با عنقا دیو پسر پولادوند روبه‌رو شد. دیو پس از شکست خوردن از برزو او را فریب داد و به شهر ختن برد. برزو در آن‌جا دل‌باخته همای دختر شاه ختن گشت و برای به‌دست‌آوردن او، ازدهای مهیب آن شهر را از میان برد. برزو پس از ازدواج با همای، در خواب زال را در مانده دید و ناگزیر به ایران بازگشت. در راه با افراسیاب روبه‌رو شد و با دستیاری فرامرز، سپاه توران را شکست

داد. چندی پس از این رویداد، تمور فرزند برزو به دنیا آمد و در خردسالی آوازۀ پهلوانی اش به همه جا رسید. افراسیاب با شنیدن دلاوری‌های تمور، به ختن رفت و او را ترغیب به نبرد با رستم کرد. در میدان هفت‌لشکر، تمور با شماری پهلوانان ایران درگیر شد تا این‌که سرانجام در نبرد با رستم مغلوب شد. در این هنگام مادرش به میدان آمد و کیستی فرزند را به رستم آشکار کرد (نک. عطایی، برزنامه جدید: ۱۲۵-۲۴۰ر).

چنان‌که ملاحظه می‌شود ساختار هر دو داستان یکی است و اختلاف آن دو، گذشته از مفصل‌تر بودن داستان تور بن جهانگیر نسبت به برزنامه جدید، در این است که در منظومۀ اخیر تور به دلخواه خود و به منظور شناسایی پدر به ایران می‌آید حال آن‌که در برزنامه جدید افراسیاب است که تمور را فریب می‌دهد و او را به نبرد با رستم ترغیب می‌کند. شهرت و محبوبیت داستان‌های برزنامه جدید در میان مردم سبب شد که اندکی بعد، نقّالان، روایات آن را با شاخ‌وبرگ‌های بسیاری روایت کنند و بخش بزرگی از طومارهای خود را به این داستان مفصل اختصاص دهند. اشتهار و محبوبیت روایات برزنامه جدید بازتاب مهم دیگری نیز داشت؛ و آن این‌که دیرزمانی از پیدایش این روایات و احتمالاً نظم آن‌ها نگذشته بود که شماری منظومه‌های پهلوانی به تقلید از آن سروده شد. دو روایت منظوم دیگر از برزنامه جدید، زرّین‌قبا نامه، رزم‌نامه کوه دماوند، داستان تور بن جهانگیر و احتمالاً شهریارنامه^۱ از جمله منظومه‌هایی هستند که به تقلید از برزنامه جدید سروده شده‌اند.

۶. سرقت و انتحال

گوینده داستان تور بن جهانگیر، مانند اغلب سرایندهگان متون پهلوانی دوره صفوی، از سرقت و انتحال آثار منظوم پیش از خود به دور نمانده است. در بخش پایانی این منظومه، آن‌جا که تور با نیرنگ و با دستیاری مرد بازرگان، وارد دژ طلخند می‌شود و او را از بین می‌برد و پس از آن، رستم نیز اموال آن پتیاره را غارت می‌کند، نه تنها از نظر ساختار داستان تقلیدی

۱. درباره تأثیرپذیری شهریارنامه از برزنامه جدید در جای دیگری بحث خواهم کرد.

آشکار از منظومه شکاوندکوه است بلکه شاعر گمنام داستان تور بن جهانگیر، ابیات بسیاری از این منظومه را گرفته و با تغییر شماری واژه‌ها و یا برخی مصراع‌ها و نیز حذف برخی ابیات و افزودن ابیاتی دیگر، منظومه خود را به پایان رسانده است. برای روشن‌تر شدن مطلب به بررسی و سنجش بخش‌هایی از این دو منظومه می‌پردازیم:

پس از مرگ جهانگیر، هنگامی که تور در اندیشه کین‌خواهی است و از کی‌کاووس رخصت می‌طلبد، شاه ایران در توصیف دژ طلخند به تور می‌گوید:

| | |
|----------------------------|------------------------------|
| سرش راز گوید همی با سپهر | دهد تیغ او بوسه بر ماه و مهر |
| بسی لشکر آن جای دارد مقام | اباگرد طلخند برگشته نام |
| نباشد بدان راه اسب و سوار | نه بر وی رسد تیر جوشن‌گذار |
| تو گرچه دلیری و از نسل سام | هنوز ای دلاور گونیک‌نام... |

(داستان تور بن جهانگیر: ۱۶۱ پ)

این ابیات با اندکی تغییر و انداختن برخی بیت‌ها، برگرفته از ابیات زیر از منظومه شکاوند کوه است:

| | |
|----------------------------|--------------------------------|
| سرش راز گوید همی با سپهر | زند تیغ او بوسه بر ماه و مهر |
| بسی جادوی آن جای دارد کنام | که کس را به گیتی نکرده است رام |
| نباشد بر او راه اسب و سوار | به نیروی ره نیز جوشن‌گذار |
| نیای تو سام‌گران‌مایه مرد | به رای و به مردی بسی چاره کرد |
| پس از سام من نیز بسیار بار | سپه را کشیدم به پای حصار |
| توانا نبودیم بر جنگ او | نشایست کردن [به] آهنگ او |
| تو گرچه هنر بیش داری ز سام | هنوز این زمان خردی و ناتمام |

(هفت منظومه حماسی، ۱۳۹۴: ۳۷۷-۳۷۸)

در بخش دیگری از داستان تور بن جهانگیر آمده:

| | |
|------------------------------|--------------------------------|
| مرا گر چه فرمایی ای نامدار | که رو خویش را زنده برکش به دار |
| به یزدان بی‌چون که فرمان برم | ز رای و ز فرمان تو نگذرم |

همان تور یل نیز سوگند خورد
به روز سفید و شب لاجورد
که گرزان که بر دست تو کار من
برآید تو را بر کشم ز انجمن
کنم مر تو را در جهان بی نیاز
شوی از همه سرکشان سرفراز
(داستان تور بن جهانگیر: ۱۶۲-۱۶۲پ)

ضبط این ابیات در منظومه شکاوندکوه چنین است:

مرا گر تو فرمایی ای نامدار
که رو خویش را زنده برکن به دار
به یزدان بی چون که فرمان برم
ز رای وز فرمان تو ننگذرم
که گرزان من در سر آن شود
بکوشم کنم هرچه فرمان شود
جهان پهلوان زاده سوگند خورد
به روز سپید و شب لاجورد
که گرزان که از دست تو کار من
برآید کشم من تو را ز انجمن
کنم مر تو را از جهان بی نیاز
شوی بر همه گردنمان سرفراز
(هفت منظومه حماسی، ۱۳۹۴: ۳۷۴-۳۷۵)

ممکن است حدس زده شود که شاید روند این انتقال برعکس بوده و گوینده منظومه شکاوندکوه از داستان تور بن جهانگیر سرقت کرده است. اما باید گفت که زبان منظومه شکاوندکوه ادبی تر و برخی واژه‌های آن کهن تر است، حال آن که بر اثر دستبرد و تغییر واژه‌ها و مصراع‌ها در داستان تور بن جهانگیر، زبان این منظومه ساده تر و گاه غیرادبی شده است؛ مانند شواهد زیر:

بسی جادوی آن جای دارد کنام
که کس را به گیتی نکرده است رام
(همان: ۳۷۷)

بسی لشکر آن جای دارد مقام
اباگرد طلخند برگشته نام
(داستان تور بن جهانگیر: ۱۶۱پ)

به ویژه که راهی است دشوار و تنگ
که دشوار بر وی رود غرم و رنگ
(هفت منظومه حماسی، ۱۳۹۴: ۳۷۸)

به ویژه که راهی است دشوار و تنگ
که دشوار بر وی رود مرد جنگ
(داستان تور بن جهانگیر: ۱۶۱پ)

دلیل دیگر بر این سرقت و انتقال بیت زیر است که در رزم‌نامه شکاوندکوه آمده:

همی دید غلطان سر هندوان ز بالا شدی سوی پستی روان

(هفت منظومه حماسی، ۱۳۹۴: ۳۸۵)

این بیت با توجه به هندی‌نژاد بودن ساکنان دژ شکاوند سروده شده است و با سیر منطقی داستان هم‌خوانی دارد، اما سراینده داستان تور بن جهانگیر، بی‌توجه به این موضوع، آن را در منظومه خود آورده است؛ حال آن‌که بر اساس این منظومه، طلخند زنگی‌نژاد است و در اطراف او نیز از هندیان خبری نیست. بنابراین ذکر غلطان‌شدن سر هندوان در این جا مناسبتی با داستان ندارد.

۷. نتیجه

از آنچه گفته شد می‌توان به نتایج زیر رسید:

الف) اگرچه گزارش پهلوانی‌های تور بن جهانگیر در چند منظومه پهلوانی متأخر به تفصیل آمده است، اما در طومارهای نقالی نشانی از این روایات نیست و آنچه هم در این طومارها درباره دلآوری‌های تور آمده در متون منظوم نیامده و یا به پهلوانان دیگر نسبت داده شده است. احتمالاً نخستین روایاتی که در گزارش هنرنمایی‌های تور بن جهانگیر ساخته شده بود همان‌هایی است که در برخی طومارهای نقالی به اختصار آمده است اما اندکی بعد داستان‌های مفصلی هم درباره او ساخته شد که بخت آن را داشت به نظم درآید؛ با این حال وارد طومارهای نقالی دوره‌های بعد نشد.

ب) داستان تور بن جهانگیر یگانه منظومه مستقل درباره پهلوانی‌های این قهرمان است که تا امروز از دید پژوهشگران به دور مانده است. قرائن و شواهد متن حاکی از آن است که به احتمال بسیار این منظومه از قرن دهم به بعد و در دوره صفویه سروده شده است. این منظومه نیز مانند شماری دیگری از متون پهلوانی مفصل آن عهد، به تقلید از برزنامه جدید پدید آمده است.

ج) شاعر گمنام داستان تور بن جهانگیر، مانند شمار دیگری از گویندگان دوره صفویه، از سرقت از متون پهلوانی پیش از خود میرا نبوده است. مشابهت بخش پایانی این منظومه با

منظومه شکاوندکوه نشان می‌دهد که شاعر شماری از ابیات این منظومه را گرفته و با تغییر دادن برخی واژه‌ها و یا مصراع‌ها، آن‌ها را در منظومه خود جای داده است، بدون آن که به گوینده اصلی آن اشاره کند.

منابع

- آذربرزین‌نامه (۱۴۰۰). تصحیح رضا غفوری. تهران: ققنوس.
- آیدنلو، سجّاد (۱۳۹۲). «بررسی تصحیح جدید سام‌نامه». کتاب ماه ادبیات، ش ۸۰: ۵۷-۶۵.
- _____ (۱۳۹۶). «سه نکته از دستور تاریخی در شاهنامه و متون پهلوانی»، در: نیم‌پخته
ترنج. تهران، سخن: ۴۷-۶۴.
- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (۱۳۵۴). گرشاسپ‌نامه. به‌کوشش حبیب یغمایی. تهران: طهوری.
- بانوگشسپ‌نامه (۱۳۸۲). تصحیح روح‌انگیز کراچی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بهار، محمدتقی (۱۳۵۵). سبک‌شناسی یا تاریخ تطوّر نثر فارسی. تهران: پرستو.
- تبریزی، محمدحسین بن خلف (۱۳۴۲). برهان قاطع. به اهتمام محمد معین. تهران: ابن‌سینا.
- تهمتن‌نامه (۱۳۹۸). تصحیح رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- خالقی‌مطلق، جلال (۱۳۹۸). واج‌شناسی شاهنامه. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- خطیبی، ابوالفضل (۱۳۹۵). آیا فردوسی محمود غزنوی را هجو گفت؟ تهران: پردیس دانش.
- داستان تور بن جهانگیر. ذیل دست‌نویس جهانگیرنامه کتابخانه ایندیا آفیس، به‌شماره Ethe628.
- رزم‌نامه گرشاسپ. مندرج در: دست‌نویس گرشاسپ‌نامه، کتابخانه آستان قدس رضوی، به‌شماره ۴۱۲۹.
- زرّین‌قبا‌نامه (۱۳۹۳). تصحیح سجّاد آیدنلو. تهران: سخن.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۰). سیر غزل در شعر فارسی. تهران: فردوس.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۶۴). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴. تهران: فردوسی.
- طومار جامع نقّالی شاهنامه (۱۳۹۶). تصحیح فرزاد قائمی. مشهد: به‌نشر.
- طومار کهن شاهنامه فردوسی (۱۳۹۰). به‌کوشش جمشید صداقت‌نژاد. تهران: دنیای کتاب.
- طومار نقّالی شاهنامه (۱۳۹۱). به‌کوشش سجّاد آیدنلو. تهران: به‌نگار.

- عطایی. برزنامه جدید. دست‌نویس کتابخانه ملی پاریس به شماره Supplement Persan 499.
- فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۸۶). شاهنامه. تصحیح جلال خالقی مطلق (جلد ششم تصحیح محمود امیدسالار، جلد هفتم تصحیح ابوالفضل خطیبی). تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- قاری یزدی، نظام‌الدین محمود (۱۳۵۹). دیوان البسه. تهران: شرکت مولفان و مترجمان ایران.
- مادح، قاسم (۱۳۸۰). جهانگیرنامه. به کوشش ضیاءالدین سجادی، تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران و دانشگاه مکیل.
- مختاری (۱۳۹۷). شهریارنامه. تصحیح رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مرزبان فارسی، رفیع‌الدین (۱۳۹۹). فرامرنامه کوچک. تصحیح ابوالفضل خطیبی و رضا غفوری. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- مشکین‌نامه (طومار نقالی حسین بابامشکین) (۱۳۸۶). به اهتمام داوود فتحعلی‌بیگی. تهران: نمایش.
- منوچهرخان حکیم (۱۳۸۴). اسکندرنامه (بخش ختا). به کوشش علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: میراث مکتوب.
- هفت‌لشکر (۱۳۷۷). تصحیح مهران افشاری و مهدی مداینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هفت منظومه حماسی (۱۳۹۴). تصحیح رضا غفوری. تهران: میراث مکتوب.
- یارشاطر، احسان (۱۳۳۴). شعر فارسی در عهد شاهرخ. تهران: دانشگاه تهران.

Table of Contents

| | |
|---|-----|
| Editorial | 5 |
| Tūr in Iran's <i>Pahlavāni</i> (heroic) texts: Introducing "The Story of Tūr b. Jahāngir" / Reza Ghafouri | 9 |
| Words ending in <i>-āy</i> and <i>-ūy</i> in Persian old texts; Some practice in the techniques of pronunciation / Masoud Rastipoor | 27 |
| Jāmi' al-ḥisāb: A Persian work attributed to Naṣīr al-Dīn Ṭūsī on <i>Ḥisāb al-hawā'</i> / Fatima Saadatmand | 49 |
| Shir Ali Khān Lūdi's adaptation from <i>Jāme' al-sanāye'</i> by Seif-e Jām of Herat, and some observations on the amendment of <i>Mer'āt al-khiyāl</i> / Omid Shahmoradi | 73 |
| Historical connection between poetic metres and musical rhythms in ancient texts / Behrad Banaie | 85 |
| "Garshāhnāmeḥ": The incorporation of <i>Garshāsbnāmeḥ</i> 's couplets into afew of the <i>Shāhnāmeḥ</i> 's MSS in accordance with the sequence of the tale / Ali Asghar Ebrahimi-vinicheh | 119 |
| The possibility that a well-known ghazal attributed to Hafiz Is not actually his / Amir Shafaqat | 141 |
| Two stolen old manuscripts of "Devalrāni Khīzr Khān" poem transcribed by Darvish Mohammad b. Ali / Mahdieh Asadi & Bijan Zahiri Nav | 157 |
| The accounts of <i>Leili o Majnun</i> in Kurdish literature / Hadi Bidak | 179 |
| Sufi <i>Arba'in-negāri</i> (compiling 40 traditions): Examination and correction of the <i>Arba'iniyāt</i> composed by Qotb al-Din Mohyi of Kūshkenār / Ehsan Pourabrisham | 199 |

Mirror of Heritage

(Ayene-ye Miras)



Semiannual Journal of Literary and Textological Studies

New Series, Vol. 20, Issue No. 1 (70), 2022

